



جمعیت زنان در کدام کشورها به نسبت مردان کمتر است؟

یکی از پایه‌ای‌ترین اصول در رشد اقتصادی کشورهاست که البته فارغ از شاخص‌های دیگر توسعه، یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه به حساب می‌آید.

یکی از پایه‌ای‌ترین اصول در رشد اقتصادی کشورهاست که البته فارغ از شاخص‌های دیگر توسعه، یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه به حساب می‌آید. شاخص جمعیت در هر کشوری بر وجوه مختلف فرهنگی، اقتصادی و حتی توان سیاسی و دفاعی آن کشورها اثرگذار است و کاهش و افزایش آن می‌تواند این وجوه را دستخوش تغییراتی کند؛ اما وقتی در همین حوزه هم دقیق می‌شویم، عوامل مختلفی به عنوان متغیرهای اثرگذار بر کیفیت و کمیت موارد مطرح شده مشاهده خواهند شد.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه سایه، یکی از این متغیرها نسبت جمعیت زنان و مردان هر کشوری است که به عنوان شاخص Sex Ratio شناخته می‌شود. شاید در نگاه اول این مسئله آن قدرها مشکل ساز به نظر نرسد که بگوییم میزان زنان یک جامعه از مردان آن بیشتر است یا برعکس؛ اما کارشناسان معتقدند که عدم تعادلی منطقی در این تناسب می‌تواند معادلات بزرگی را در حوزه‌های مختلف رشد یک کشور به هم بزند. شاید نتوان گفت جامعه‌ای وجود داشته باشد که در ازای تولد هر یک نوزاد پسر، نوزادی دختر هم متولد می‌شود و این روند تعادلی همیشه ادامه داشته باشد؛ اما هستند کشورهایی که در این زمینه نرخ‌های قابل دفاع‌تری دارند و از آن سو کشورهایی را می‌بینیم که به شدت از حیث قیاس این دو جنسیت، در عدم تعادل سنگین به سر می‌برند. البته نمی‌توان تعادل در تولد را به عنوان تنها عامل در برهم خوردن این نرخ تناسب در نظر گرفت؛ بلکه عواملی مانند جنگ، مرگ و میرها، آوارگی و حتی موارد خاص‌تر مانند وجود گروه‌های مافیایی زیرزمینی که زن‌ها را از کشورهای مختلف قاچاق می‌کنند تا در حوزه‌های بیگاری و سوءاستفاده‌های جنسی از آنها بهره‌برداری کنند، نیز در ایجاد این عدم تعادل نقش دارند.

این عدم تعادل می‌تواند در آینده‌ی کشورها تأثیرات منفی خاصی بگذارند که به راحتی قابل جبران نباشند. برای مثال، افزایش تعداد مردان مجرد، کاهش آمار ازدواج، کاهش میزان تولد و متاثر از آن پایین آمدن نرخ جمعیت کشورها که در ادامه می‌تواند تبعاتی در حوزه‌های مختلف توانمندی کشورها داشته باشند. در مورد ایران، آمارهای سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که رشد جمعیت ما عدد ۱/۳ بود که نشان از کاهش جمعیت در ایران و رسیدن به آمار جهانی رشد جمعیت ۱/۲ داشت. میزان باروری کل (متوسط تعداد بچه‌های زنده‌ای که یک مادر در طول دوره‌ی باروری به دنیا می‌آورد) به زیر دو بچه کاهش یافته و این به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسل است. البته تا رسیدن به آن خط قرمز انقراض نسل، شاهد مشکلاتی همچون کاهش توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی نیز خواهیم بود که می‌تواند رتبه‌ی ایران را در بسیاری موارد و شاخص‌های مهم جهانی به کمترین حد ممکن برساند.

در گزارش سالانه‌ی سایت ورلداپلس منتشره در ۲۶ جولای ۲۰۱۶ فهرست اخ کشوری که میزان جمعیت زنان آنها کمتر از مردان است، آمده که به ترتیب عبارتند از امارات، قطر، عمان، بحرین، عربستان، کویت، بوتان، هند، مالزی و افغانستان. در این فهرست نرخ زنان به مردان در کشور امارات ۲۶,۷ درصد است. به گزارش این مرکز اطلاعاتی و آماری، اگرچه امارات در سال‌های اخیر به عنوان یک پایتخت اقتصادی مورد توجه جهان رشد قابل توجهی در وجود مختلف داشته است؛ اما به علت بافت فرهنگی خاص و مردسالارانه‌اش، دچار شکست‌هایی در نرخ تعادلات جنسیتی شده‌است که کاهش تعداد زنان به نسبت مردان یکی از این حوزه‌های شکست است. از سویی این کشور با حجم گسترده‌ی مهاجرینی روبه‌رو بوده که عمده‌ی آنها را مردان تشکیل می‌دهند. این ورود گسترده باعث شده تا تعداد مردان امارات در طی سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته باشد و حالا به این مرحله رسیده‌اند که از حد تعادل خارج شده‌اند. اگرچه ایران در فهرست ۱۰ کشور سایت ورلداپلس وجود ندارد، اما در رده‌های بعدی حضور دارد و چندسالی هست که ذهن کارشناسان و متولیان امر را به خود جلب کرده است.

این مسئله تا حدی است که حتی برنامه‌هایی برای تأثیر بر جنسیت جنین هم مطرح شده و پیگیری‌هایی در این زمینه انجام می‌شود. خبرگزاری خبرآنلاین در سال ۱۳۹۴ طی گزارشی با محوریت موضوع کاهش دختران ایرانی در برابر جمعیت پسران این کشور عنوان کرد: «در سال‌های گذشته آمار تجرد دختران بیش از پسران بود، چندی پیش هم سازمان ثبت احوال کشور هم درباره‌ی افزایش تجرد قطعی دختران ایرانی هشدار داد. سال گذشته هم زنگ خطر برای تجرد قطعی نزدیک به یک میلیون دختر ایرانی به صدا درآمد. اما در این میان آمارها نشان می‌دهد، شمار پسران ایرانی مجرد در سن ازدواج هم رو به افزایش

است». نبود زمینه‌های لازم برای ازدواج یکی از علل کاهش فرزندآوری شده و با ادامه‌ی این فرآیند دنباله‌دار در درازمدت، قادر نیستیم که این عدم تناسب جمعیت جنسیتی را به تعادل لازم و مطلوب برسانیم.

زیرا اساساً وقتی تولدی در کار نباشد، تعیین جنسیت کاری بیهوده است. این درحالی است که حضور زنان به عنوان مهره‌های موثر بر فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... در کشورها امری بدیهی است که بدون حضور متعادل‌کننده‌ی آنها شاهد پیشرفت‌های مورد نظر نخواهیم بود.